

# عبایافی بهبهان

دکتر سید علی مجابی\*

زهر آفتابی\*

## چکیده

عبای یکی از ساده‌ترین بافته‌های ایرانی است که بدون هر گونه نقش یا طرح خاصی بافته می‌شود. اگرچه تولید این بافته در مناطق مختلف ایران با شیوه‌ای تقریباً یکسان صورت می‌پذیرد، برخی از شیوه‌های بافت آن در مناطق مختلف ایران، متناسب با کاربرد و نوع مصرف، با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد. یکی از مناطقی که در آن عبا از دیرباز تولید می‌شده و امروزه تقریباً به فراموشی سپرده شده است، بهبهان در شمال شرقی استان خوزستان با حدود پانزده کارگاه نیمه فعال است. عبای بهبهان در دو نوع حله و چقه با استفاده از نخ پشمی دست ریس تهیه می‌شود که با حنا یا پوست بلوط رنگ‌رزی، و با شیره خرما آهار داده می‌شود. کارگاه بافت عبا در فضای باز قرار دارد. روش تحقیق این مقاله اکتشافی-میدانی است. نویسنده ضمن بررسی قسمت‌های مختلف دستگاه عبایافی بهبهان و تشریح مراحل بافت آن، اصطلاحات محلی عبایافی آن منطقه را نیز دسته‌بندی کرده و توضیح داده است.

واژه‌های کلیدی: بهبهان، عبا، شیوه بافت عبا، انواع عبا، دستگاه عبایافی، کارگاه عبایافی.

## مقدمه

تا آن دوره بسیار بوده است [غیبی، ۱۳۸۵: ۳۸۰، ۲۲۹].

عبا در عهد زندیه رواج گسترده‌ای یافت و به عنوان بالا پوشی استفاده شد که مانند خرقة و جبه روی قبا پوشیده و بر دوش افکنده می‌شد. اما در عهد قاجار عبا شاخصه پوشش روحانیان شد.

عبا با موی شتر و به رنگ سیاه بافته می‌شد، به گونه‌ای که در آن آب نفوذ نکند. بهترین عباها در کرمان، کرمان و کاشان بافته می‌شد. با این حال، به نظر می‌رسد عبا با کلیچه بلند تفاوت چندانی نداشته باشد. آستین عبا یکسره و کوتاه یا بلند است؛ اما کلیچه فقط با آستین بلند دوخته می‌شد [همان‌جا، ۵۱۶ و ۵۶۲].

از مناطقی که در استان خوزستان بافت عبا در آن رواج داشت می‌توان به دزفول، شوش، سوسنگرد و بهبهان اشاره کرد. امروزه، تولید عبا در این مناطق بسیار کم مشاهده می‌شود. گفته می‌شود بافت عبا در این مناطق سابقه‌ای پانصد ساله دارد. اگرچه بسیاری از ساکنان کشورهای حاشیه خلیج فارس از دیرباز نسبت به این کالا و تهیه و استفاده آن شناخت و علاقه دارند، تجارت آن امروزه با این کشورها به صورت چمدانی انجام می‌شود [www.Tebyan.net].

عبا رویوش گشاد و بلند است که روی دوش افکنده می‌شود. جلوی آن باز است و آستین‌هایی کاذب دارد و از دیرباز به طور عمده روحانیون از آن استفاده می‌کردند. بافت عبا پیش از این در ناین، قزوین، کرمان، بوشهر و بهبهان مشهور بوده است؛ اما امروزه، تنها نامی از عبای برخی از این مناطق در اذهان باقی مانده است [متین، ۱۳۸۳: ۱۰۳].

عبا در برخی از منابع، پارچه‌ای نمدی به رنگ کرم تا قهوه‌ای دانسته شده است که از پشم یا نخ و با استفاده از دستگاه‌های نساجی سنتی بافته می‌شود و پس از پایان بافت عملیات تکمیلی روی آن صورت می‌پذیرد و سرانجام پارچه برش خورده، به صورت عبا درمی‌آید [سیدصدر، ۱۳۸۶: ۲۷۹ و ۲۳۵]. از دوران‌های تاریخی ایران نیز برای استفاده از عبای روایت‌های گوناگونی نقل شده است. در عهد ایلخانیان مردم عادی از عبا استفاده نمی‌کردند. در این روزگار، عبا به قدری بلند گرفته می‌شده است که بر روی زمین کشیده می‌شد. در دوره صفویان عبا به صورت شل آستین دار کوتاه یا بلند در آمد و اهل تصوف و عرفا از آن استفاده می‌کردند. در آن دوره، عبا دکمه یا بند نداشته و بسیار ساده طراحی می‌شده است. شباهت عبا و قبا

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد (sa-majabi@iaun.ac.ir)

\*\* دانشجوی دوره دکتری تاریخ تعلیمی و تطبیقی هنر اسلامی دانشگاه شاهد (researchmanager@iaun.ac.ir)

در حال حاضر، دست کم ده صنعتگر شاخص و برجسته در زمینه عبابافی در بهبهان فعالیت می کنند که در دیف سنی بین پنجاه تا هفتاد سال قرار دارند.

### روش تحقیق

در این تحقیق برای شناسایی شیوه های بافت و تولید عبابی بهبهان و گردآوری اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری، مصاحبه است و در دو مرحله صورت پذیرفته است. در ابتدا با شناسایی یکی از قدیم ترین تولید کنندگان عبا در سطح شهر و انجام مصاحبه با او به صورت کاملاً آزاد تولید عبا از زوایای مختلف بررسی شده است تا مرحله اکتشافی تحقیقات کامل شود. مرحله دوم مصاحبه با پرسشنامه های تدوین یافته با سؤالات باز و از پنج تن از قدیم ترین تولید کنندگان این هنر اصیل انجام شده است. پس از تحلیل نتایج به دست آمده از این مصاحبه ها، اطلاعات میدانی با بررسی هفت کارگاه از مجموعه حدود بیست مکان کارگاهی عبابافی شهر استخراج شد. از مجموعه این بیست مکان کارگاهی، فقط یازده کارگاه نیمه فعال بود. جمع آوری اطلاعات میدانی نیز در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول سه کارگاه، و در مرحله دوم و با یک فاصله زمانی کوتاه چهار کارگاه بررسی شد. جامعه آماری این تحقیق همان یازده کارگاه نیمه فعال در نظر گرفته شده است.

### تاریخچه ارجان

ارجان نامی است کهن که به منطقه بهبهان اطلاق می شود. تقریباً در همه نوشته های تاریخ نویسان آنچه مشترک است این است که "ارجان" در قرن هفتم هجری رو به ویرانی نهاده و این ویرانی و خرابی به تدریج تا به آنجا دامن گسترده که در اواسط قرن هشتم ه. ق یعنی کمتر از یک قرن دیگر هیچ نامی از آن شهر در تاریخ بر جای نمانده است. گفتنی است بهبهان کنونی که ظاهر آلهالی ارجان بدان شهر کوچ کرده اند جایگزین آن شده است [مصدر، ۱۳۷۶: ۲۰، ۲۱].

دایره المعارف اسلامی (۱۹۳۳ م) در مصر نیز ذیل کلمه ارجان آورده است: "ارجان به دست حشاشیون (یکی از القاب اسماعیلیه) خراب و ویران گشت. آن ها بر چند قلعه حصین و مستحکم پیرامون شهر استیلا یافتند و از آنجا به شهر و اطراف آن هجوم آوردند تا سرانجام در قرن سیزده میلادی به دست آن ها سقوط کرد. بعد از این هجوم، دیگر ارجان آبادی سابق را نیافت و بیشتر ساکنین آن به بهبهان مهاجرت کردند."

[الگور، ۵۰-۵۱].

درباره ویژگی های اقلیمی ارجان بیشتر مورخان آورده اند که این منطقه در عین حال که دارای آب و هوایی کوهستانی بوده است، در برخی از فصول سال آب و هوایی مشابه با مناطق دشتی داشته و از این رو میوه های سردسیری و گرمسیری را یک جا در خود جمع کرده بود [اقتداری، ۱۳۶۶: ۱۲۲/۲-۱۲۴]. همچنین گفته اند که مردم برای کاهش گرمای محیط خانه ها با روشی خاص رودخانه طاب را به زیر زمین های خود هدایت می کردند و در نتیجه گرمای آن را تا حد مناسبی کاهش می دادند.

ناصر خسرو در سفرنامه خود درباره ارجان چنین می نویسد: "ارجان شهری بزرگ و در آن بیست هزار مرد بود. بر جانب شرقی آن رودی است که از کوه در آید و به جانب شمال آن رود و چهار جوی عظیم بریده اند و آب از میان شهر به در برده که خرج بسیار کرده اند از شهر بگذرانیده و به شهر آخر بر آن باغ ها و بستان ها ساخته و نخل و ترنج و زیتون بسیار باشد و شهر چنان است که چندان که بر روی زمین خانه ساخته اند و در زیر زمین هم چندان دیگر باشد...." [مصدر، ۱۳۷۶: ۲۷].

### تاریخچه بهبهان (پیدایش بهبهان)

اولین باری که نام بهبهان در تاریخ آورده می شود در کتاب تاریخ آل مظفر در سال ۷۵۷ ه. ق در ذکر واقعه لشکرکشی پدر شاه شجاع آل مظفر به لرستان است [همان جا، ۶۵ و ۶۷]. آل مظفر حدود نیم قرن قبل از هجوم تیمور به ایران در لرستان حکومت می کردند. این سلسله از معدود سلسله های ایرانی است که پس از مرگ ابوسعید آخرین حکمران مغول در سال ۷۱۶ ه. ق در کرمان و نقاطی از فارس و لرستان به قدرت رسیدند و با حافظ شیرازی هم روزگار بودند [جعفری، ۱۳۷۹: ۴۱ و ۲۱۸].

نویسنده کتاب "جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی" معتقد است بهبهان را هیچ یک از جغرافی نویسان مسلمان نام نبرده اند و نخستین بار شرف الدین یزدی در ذکر مسیر تیمور از اهواز به شیراز در بهار سال ۷۹۵ ه. ق از بهبهان نام برده و آن را بزرگ ترین شهر ولایت ارجان دانسته است [مصدر، ۱۳۷۶: ۸۷، ۸۸]. اگر چه به نظر می رسد در فاصله زمانی ۷۳۱ تا ۷۵۷ ه. ق وقایعی در منطقه رخ داده باشد که به نابودی کامل ارجان و آغاز آبادانی سریع بهبهان منجر شده باشد [جعفری، ۱۳۷۹: ۴۱ و ۲۱۸].

در مورد وجه تسمیه این شهر و اینکه چرا آن را بهبهان گفته اند

روایات فراوانی وجود دارد. برخی آن را به مفهوم "به از بهران" یا "به بهان" دانسته‌اند و برخی دیگر بر اساس مطالعات تاریخی موجود این نام‌گذاری را برگرفته از "شعب بران" می‌دانند که از بهترین و خوش آب و هوا ترین مناطق فارس و در حوالی ارجان و در مسیر این شهر تا شیراز واقع شده بود [۹۱، ۹۲]. به نظر می‌رسد بهبهان یا به عبارتی دیگر "به بهان" در ابتدا به بران" به معنای بهتر از بران بوده که کم کم بر اثر سهولت در بیان و آسانی کلام به "بهبهان" تبدیل شده است [همان جا].

### جغرافیای بهبهان

شهرستان بهبهان از شمال و شمال خاوری به شهرستان کهگیلویه (دهدشت)، از خاور به شهرستان گچساران، از جنوب به شهرستان گناوه، از جنوب غربی و غرب به شهرستان بندر ماهشهر و از شمال غربی و شمال به شهرستان رامهرمز محدود است [بختیاری، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۸، ۱۲۱].

### تعریف عبا

"فرهنگ معین" درباره کلمه عبا چنین گفته است: "عبا پوششی است از پشم و جز آن که جلوش شکافته است و بر روی لباس پوشند، روی پوش گشاد و بلند پشمی یا نخی که در میان پیش باز است و دو سوراخ در طرفین دارد که دست‌ها را از آن‌ها بیرون آورند و طبقه روحانیان و جزء آن را بر دوش اندازند." [معین، ۱۳۸۲: ۶۷۷].

"دایره المعارف ایرانیکا" نیز عبا را پوشاکی مردانه می‌داند که در خاورمیانه و به ویژه در میان بدویان عرب رایج بوده است و در ادامه چنین می‌گوید: "عبا معمولاً آستین ندارد ولی دو روزنه برای بیرون آوردن دست‌ها در آن است تا عبا را روی شانه نگاه دارند." [الگور، ۵۰-۵۱].

با این حال، برخی منابع عبا را پارچه دست بافت ایرانی دانسته‌اند که در دو نوع تابستانی و زمستانی بافته می‌شود. دهخدا عبا را پوششی بافته شده از پشم و پیش شکافته می‌داند، که بر روی لباس می‌پوشیدند و دو نوع تابستانی و زمستانی دارد [دهخدا، لوح فشرده، روایت دوم]. ایرانیکا معتقد است "پوشیدن عبا در ایران چندان رایج نیست و بیشتر به روحانیون اختصاص دارد." عبا پیش از دوره زندگی تنها در میان عشایر رایج بود؛ اما پس از آن مردم شهرها نیز عبا می‌پوشیدند عبا در ایران از کرک شتر بافته می‌شود اما برای تابستان‌ها عباهای خنک تری نیز تهیه می‌شود [همان جا].

### جغرافیای بافت عبا

عبای تابستانی به طور عمده در بهبهان، کوهپایه اصفهان و بو شهر، به ندرت با تار و پود پنبه‌ای و در اصل به رنگ مشکی و قهوه‌ای بافته می‌شود. عبای زمستانی در محدوده ناین- که



تصویر (۱): شهرستان بهبهان

اراضی این شهرستان را کوه‌های نه چندان بلندی پوشانیده است که ارتفاع آن‌ها از ۲۳۰۰ متر تجاوز نمی‌کند. رودخانه‌های مارون (طاب)، خیرآباد و زهره این شهرستان را مشروب می‌کنند. هوای آن گرم است و از نظر بارندگی جزء نواحی خشک به شمار می‌آید. بهبهان، آغاچاری و سردشت از شهرهای این شهرستان می‌باشد. شهر بهبهان، مرکز

با استفاده از کرک شتر بافته می‌شود- از سایر عباهای زمستانی معروف تر است. تولید عبا با رنگ های قهوه ای، شتری، خردلی، سیاه و سفید در کرمان و قزوین مشهور است. گفتنی است که عبا قزوین به طور خاص زمستانی است [یاوری، ۱۳۸۰: ۸۶].

دشمنانی ها نیز عبا ویژه ای به نام جوقا دارند. حتی شولا را که هنوز هم در میان بختیاری ها رایج است و در دوره زندگی و قاجار به گسترش یافت، از انواع عبا می‌شمارند. در شوشتر و بستان گناباد خراسان نیز عباهایی با کرک شتر تولید می‌شود. این نوع عبا را عبا سنگ خورده می‌نامند [آدمهر، ۱۳۸۱: ۱۳۲-۱۳۴].

درباره عبا ناین، علاوه بر استفاده از نخ های پنبه ای نمره ۳۲ دولا و یا ۲۵ دولا و کرک شتر، گاه از کرک مرغوبی استفاده می‌شود که از کرمان به آن منطقه آورده می‌شود (کرک کرمان از بز کشمیری رایج یافت و از ابتدای زمستان تا پیش از جشن سده چیده می‌شود) و به ظرافت و دوام مشهور بود. عبا بیبهان به طور عمده به کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه کویت (از طریق اهواز) صادر می‌شود [سلطان زاده، ۱۳۶۶: ۲/۳۲۳]. درباره ابعاد عبا نیز باید گفت در عرض ۷۵ تا ۹۰ سانتیمتر و طول ۶ متر بافته می‌شود و سپس قطعات بافته شده به هم دوخته می‌شود [همان جا].

جدول شماره یک ویژگی های کلی عبا را نشان می‌دهد:

با این حال، ابزار و دستگاه های بافت دستی طی قرون و اعصار تکامل چندانی نداشته و همواره تابع شرایط اقلیمی، فصلی، فرهنگی و طبقاتی بوده است [متین، ۱۳۸۳: ۱۰۳]. عبا نیز به عنوان یک دست بافته از این شرایط مستثنی نیست و می‌توان تاریخ بافت آن را متناسب با تاریخ بافندگی دانست. با این حال، گفته می‌شود قبل از اسلام بافت عبا در ایران و کناره های رودخانه های دجله و فرات رونق داشته و در جشن ها و مراسم و همچنین هنگام سوارکاری و کوچ از آن استفاده می‌شده است. حتی هنگام بازی چوگان نوعی عبا بر تن می‌کردند و برای اینکه به بدن بچسبد و دست و پا گیر نباشد یا چندرسمان رنگین که از شانه ها و دور کمر عبور می‌کرد آن را جمع می‌کردند [دهخدا، لوح فشرده، روایت دوم].

پس از اسلام نیز عبا در میان اعراب رونق بیشتری یافت و استفاده از آن در بین طلاب علوم دینی بسیار رایج شد [معین، ۱۳۸۲: ۶۷۷].

### عبافی در بهبهان

بنا به گفته بزرگان شهر، پیشینه عبافی در بهبهان به هزار سال قبل بازمی‌گردد. قدمای شهر معتقدند تعداد کارگاه های بی شماری برای بافت عبا در شهر وجود داشته که در حال حاضر تنها حدود بیست مکان کارگاهی از آن دوران باقی مانده است که برخی از آن ها مخروبه ای بیش نیست.

ویژگی های ظاهری	از جلو بلاست، روپوش، بدون آستین، بر روی شانه ها می‌افتد.
جنس عبا	۱- کرک شتر ۲- پشم ظریف و پر تاب ۳- به ندرت با تار و پود پنبه
رنگ عبا	سیاه، قهوه ای، شتری، خردلی، سفید و گاه سایر رنگ ها
مناطق بافت عبا	بهبهان، ناین، کوهپایه، بوشهر، کرمان، قزوین، شوشتر، بستان و....

جدول (۱): ویژگی های کلی عبا

عبای تولیدی بهبهان در سال های گذشته از طریق خلیج فارس و بالنج و کشتی به بحرین فرستاده می‌شد و تاجران و بازرگانان عرب آن را با خود به سایر بلاد عربی و شمال آفریقا برده، به فروش می‌رساندند؛ اما با شکل گیری پادشاهی کویت عمده صادرات عبا از طریق اهواز به کویت انجام می‌شد و از آغاز به سایر کشورهای عربی فرستاده می‌شد. قیمت عبا معمول بافته شده در بهبهان بین ۱۰ تا ۵۰ هزار تومان است.

در عربستان و سوریه عبا نیز استفاده می‌شود و زنان عرب حتی گاهی آن را بر سر می‌کشند. غیر مسلمانان همچون مارونی ها و درویشان دروزی نیز عبا می‌پوشند. عبا مصر نیز معروف، و لباسی مناسب برای نهبیدستان در زمستان است [همان جا].

### تاریخچه بافت عبا

بافندگی از قدیم ترین صنایعی است که بشر بدان پرداخته است.

## انواع عباى توليدى در بهبهان

در بهبهان دو نوع عبا توليد مى شود:

۱- ضخيم يا زمستانى كه در اصطلاح محلى به آن 'چقه' يا 'چاقه' مى گويند.

۲- نازك يا تابستانى كه در اصطلاح محلى به آن 'حله' مى گويند. حله بهبهان معروف تر از 'چقه' مى باشد. حله را به طور عمده به رنگ سياه و چقه را به رنگ قهوه اى تيره يا كرم رنگ توليد مى كنند. هر چقه حدود ۲ تا ۲/۵ كيلوگرم نخ مى برد، در حالى كه براى حله كمتر از ۳۵۰ تا ۴۰۰ گرم نخ پشمى مصرف مى شود. مدت زمان بافت با بيشتر شدن ظرافت آن افزايش مى يابد؛ اما به طور متوسط بين چهار تا پنج روز طول مى كشد تا يك عبا بافته شود. البته بايد در نظر داشت افزايش ظرافت بافت سبب نازك تر شدن نخ هاى تار در بافت مى شود و امكان پارگى نخ را زياد مى كند. در نتيجه، براى ترميم هر باره آن مدت زمان بافت افزايش خواهد داشت. عباى زمستانى را در برخى از مناطق ايران 'جوقه' يا 'جوقا' نيز مى نامند.

## مشخصات كارگاه هاى عبايافى بهبهان

محيط كارگاه عبايافى در بهبهان برخلاف نابين كه در دل زمين و يا در عمق غارهاى تپه هاى روستاى محمديه قرار دارد، در فضاي باز دبير است. طول كارگاه را بسته به تعداد دستگاه عبايافى بلندتر از عرض آن در نظر مى گيرند؛ زيرا براى چله-كشى دست كم به ۶/۵ متر تا ۷ متر مربع فضا نياز است. شكل شماره دو نمايى از كارگاه عبايافى در بهبهان را نشان مى دهد. بهار و تابستان شرايط مناسب ترى براى بافت عبا است. طول تقريبن فضاي كارگاه عبايافى حدود ده متر براى دست كم چهار دستگاه بافت است. (ابعاد تقريبن يك كارگاه براى چهار دستگاه حدوداً ۱۰ × ۸ متر مى باشد.) با وجود اين، در تابستان به دليل گرمائى شديد بايد فضاي بافت با كبر يا چادر پوشانده شود.



تصوير (۲): كارگاه عبايافى در بهبهان



تصوير (۳): دو نما از خواباندن سدا در محلول دوشو



## مواد اوليه مصرفى براى بافت عباى بهبهان

در بافت عباى بهبهان از پشم گوسفند استفاده مى شود. عبا بافان معتقدند پشم گوسفندان كويرى به مراتب مناسب تر از پشم گوسفندان كوهستانى است؛ زيرا عبا بايد زير دستى نرم و لطيف داشته باشد و پشم گوسفندان كوهستانى كمتر اين ويژگى را دارد.

پشم به دست آمده از گوسفندان با دست رسيده مى شود. آن ها را پيش از رسيدن، چنددين باز مى شويند و پس از خشك كردن بر حسب ظرافت و رنگ از هم جدا مى كنند. عمليات پشم شويى و رسيدن نخ پشمى به طور عمده در شادگان، ماهشهر و خلف آباد انجام مى شود.

نخ دست ريس شادگان از مرغوبيت و معرفيت بيشترى برخوردار است. در اصطلاح محلى نخ دست ريس تهيه شده براى بافت عبا را 'كلافه' مى گويند. برخى از كلافه ها خود رنگ است و عمليات رنگرزي روى آن ها انجام نمى شود؛ اما برخى ديگر (كلافه هاى سفيد و بدون رنگ) را عبا بافان پيش از بافت، رنگ مى كنند. حنا و پوست بلوط رنگرزاى اصلى مصرفى براى كلافه ها در بهبهان است. بهاي هر كيلو نخ آماده شده براى بافت عبا در بهبهان حدود پنج تا شش هزار تومان است و به طور معمول از هر كيلو نخ حدود سه حله به دست مى آيد.

پس از رنگرزي و آماده شدن كلافه ها به منظور افزايش استحكام آن ها براى مصرف در نخ هاى چله (تار)- كه در اصطلاح محلى 'سدا' ناميده مى شود- كلافه ها را در محلول شيره خرما- كه 'دوشو' ناميده مى شود- مى خوابانند. دوشو به راحتى در آب حل مى شود. از دوشو براى آهار زدن چله ها در حين و پس از بافت نيز استفاده مى شود. شكل شماره سه عمليات آهار زنى با دوشو را نشان مى دهد.



تصویر (۵): نمایش از اوزار، گنجیکی و پنه بندی



تصویر (۶): گرگر و پاچل



تصویر (۷): چودفه



تصویر (۸): چودفه، گنجیکی و پنه بندی

به واسطه عملیات آهار زنی هنگام بافت، "چودفه" به راحتی درون دهانه بافت حرکت می کند و سبب سایش و در نتیجه پارگی نخ های چله نمی شود. عملیات آهار زنی در حین بافت و بر روی دستگاه بافت نیز صورت می گیرد برای این کار از ابزاری به نام "پرزّه" استفاده می شود که شبیه به فرچه است. شکل شماره چهار این ابزار را نشان می دهد.



تصویر (۹): "پرزّه" جهت آهار زنی

### دستگاه عبا یافی در بهبهان

دستگاه بافت عبا از نوع دو وردی است که بر روی پاچال نصب می شود. این دستگاه بر روی چاله ای به عمق ۶۰ سانتیمتر و عرض تقریبی ۱۲۰ سانتیمتر نصب می شود. اسکلت اصلی دستگاه بر روی دو چوب نصب می شود که در طرفین پاچال قرار دارد و در اصطلاح محلی "پاچل" نامیده می شود. روی این چوب ها دو چوب افقی نیز برای نصب و نگه داشتن سایر اجزای دستگاه بافندگی در قسمت فوقانی آن قرار دارد که در اصطلاح بدان "گرگر" می گویند. به انتهای چوب های پاچل که بر روی چاله بافت قرار دارند، چهار چوبی به نام "اوزار" متصل است. نخ های "سدا" بین شانه (در اصطلاح محلی لیت نامیده می شود) محصور شده، توسط "اوزار" عبور می کند. بر بالای "اوزار" دسته ای چوبی متصل است که وظیفه آن کوبش نخ بود پس از عبور از دهانه بافت است. این دسته چوبی در اصطلاح محلی "چودفه" نامیده می شود.

کنترل کننده هر کدام از وردها در اصطلاح محلی "گنجیکی" نامیده می شود و دلیل آن شنیدن صدایی شبیه صدای گنجشک هنگام جا به جایی وردهاست. به منظور ایجاد هماهنگی برای حرکت مناسب "گنجیکی" با "اوزار"، چوبی در پایین این دو قطعه قرار دارد. وردها در دستگاه عبا یافی در اصطلاح محلی "پنه بندی" نیز خوانده می شود. شکل های پنج تا هشت هر یک از اجزای نام برده را نشان می دهد.

برای جلوگیری از لول خوردگی کناره های عبای بافته شده، کمی جلوتر از نورد چوبی نازک به صورت افقی نصب می شود که در وسط متناسب با عرض بافته تنظیم می شود. در دو سر این چوب سوزن هایی قرار دارد که در کناره های بافته فرو می رود. این ابزار را پس از چند سانتیمتر بافته شدن باز می کنند و کمی جلوتر آن را تنظیم و دگر باره می بندند. با استفاده از این ابزار، عرض بافته کنترل می شود. به این ابزار در اصطلاح نساجی سنتی "متید"، و در اصطلاح محلی بهبهان "تیت" گفته می شود.



تصویر (۱۲): تیت

در بخش پایانی ابزار و درست جلوی مکانی که بافته می نشیند، محور چوبی قطوری هست که عبای بافته شده را به دور آن می پیچد. این محور چوبی قطور را در اصطلاح "نورد" می نامند. برای حرکت و پیچش نورد از دسته ای چوبی شکل استفاده می کنند که در سوراخی از گوشه نورد مهار شده است. این دسته چوبی در اصطلاح محلی "پل پیچ" خوانده می شود. برای بالا و پایین بردن گنجه کی و پنه بندی و عوض کردن ضرب چله ها، از پدالی استفاده می شود که در کف پاچال قرار گرفته است. به این پدال "پغو" گفته می شود.



تصویر (۹): نورد

### ابزار بافت عبا در بهبهان

مکو (ماکو)، ماسوره و قیچی ابزارهای اصلی بافت عبا به شمار می آید. نخ بود- که در اصطلاح محلی "لحمه" نامیده می شود- توسط ابزاری- که در اصطلاح "دواره" نامیده می شود- به میزان ذکر شده به دور ماسوره پیچیده می شود. ماسوره پر داخل ماکو قرار گرفته، توسط بافته از بین دهنه بافت عبور می کند. شکل شماره سیزده گردونه و دواره و شکل چهارده مکو و سایر ابزارهای بافت را نشان می دهد.



تصویر (۱۰): پل پیچ



تصویر (۱۴): مکو، ماسوره و قیچی



تصویر (۱۳): گردونه و دواره



تصویر (۱۱): پغو

برای کلاف کردن نخ های سدا ابزار دیگری به نام گردونه به کار می رود. قیچی های مصرفی در بافت عبا از نوع خانگی و معمول است. برای بافت یک چغه سه مگو و برای بافت حله یک مگو مصرف می شود. هر مگو ۳۵۰ تا ۴۰۰ گرم نخ دارد. از "دواره" برای رسیدن نخ نیز استفاده می شود.

### جمع کردن و دوختن قطعات عبا

پس از اینکه متر از طولی معین (۵ تا ۶/۵ متر) از عبا بر روی دستگاه بافته شد، دست کم پنجاه سانتیمتر از نخ های چله (سدا) را باقی می گذارند و با قیچی آن ها را می برند. برای جلوگیری از به هم ریختن چله کشی، نخ های اضافه باقی مانده را که از "اوزار" عبور کرده، چند تا چند تا گرفته، به یکدیگر مالش می دهند و سر هر چند تا را به هم گره می زنند. به این ترتیب، اساس چله کشی پیشین برای بافت های بعدی حفظ می شود و به هم نمی ریزد. شکل های پانزده، شانزده و هفده مراحل این کار را نشان می دهد.

در پایان کار، ابتدای پارچه بافته شده را که به وسیله میله ای چوبی و کوتاه در وسط نورد محکم شده است در می آورند و عبای بافته شده را جمع می کنند.

روش دوختن عبا مانند چادر است؛ بدین صورت که دو قطعه سه متری بافته شده را به هم کوک می زنند. البته در مواردی که سفارش خاصی باشد، عبا را بلندتر نیز تهیه می کنند. این عباهای سفارشی را در اصطلاح "عبا سعودی" می نامند. برای کوک زدن نیز از همان نخ عبا باقی و بارتنگ یکسان استفاده می کنند.

جدول شماره دو اصطلاحات محلی به کار رفته در بافت عبا را در کنار نام آن ها در نساجی سنتی و توصیف هر یک باز می نمایاند:



تصویر (۱۵): بریدن سدا



تصویر (۱۶): مالش دادن چند سدا



تصویر (۱۷): گره زدن سداهای به هم تابیده



تصویر (۱۹): حله



تصویر (۱۸): جفا کردن عبای بافته از نورد



اصطلاح محلی	معنا
حله	عبای تابستانی و نازی
چقه	عبای زمستانی و ضخیم
عبای سمودی	عبای بلند (عبا با دوخت سفارشی)
کلافه	نخ پشمی کلاف شده برای بافت (نخ مصرفی در تار و پود)
سدا (صدا)	نخ های چله (تار)
لحمه	نخ پود
دوشو	شیره خرما برای آهار
پرزه	فرچه آهار زنی
دواره	چرخ ریسندگی و ماسوره پیچی
گردونه	کلاف پیچ
مکو	ماکو
پاچل	چوب ها و محور عمودی اصلی دستگاه بافت
گرگر	چوب ها و محور افقی اصلی دستگاه بافت
اوزار	چهار چوب مهار شانه
شانه بافت	لیت
چودقه	دقتین بافت
گنجیکی	کنترل کننده ورد
پته بندی	ورد
نورد	محور جمع کننده عبای بافته شده
بل پیچ	دسته چرخش نورد
پغو	پدال تعویض دهنه بافت
تیت	وسیله کنترل عرض بافت (متید)

جدول (۲) - اصطلاحات محلی مورد استفاده در بافت عبای بهبهان

### منابع

- آذر مهر، گ.، ۱۳۸۱، عباسایی نائین، ماهنامه تخصصی هنر، ش ۵۳-۵۴.
- افتخاری، ا.، ۱۳۶۶، جغرافیای اقتصاد بهبهان، از مجموعه شهرهای ایران، جهاد دانشگاهی.
- بختیاری، س.، ۱۳۸۳، اطلس گیتاشناسی استان های ایران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- جعفری، ع.، ۱۳۷۹، گیتاشناسی ایران، ج ۳، از مجموعه دایره المعارف جغرافیای ایران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- دهخدا، ا.، لغتنامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، مؤسسه فرهنگی و یستا آرا، لوح فشرده، روایت دوم.
- سلطان زاده، ح.، ۱۳۶۶، برخی از خصوصیات شهر نائین، از مجموعه شهرهای ایران، ج ۲، جهاد دانشگاهی.
- گیتاشناسی، ۱۳۶۲، اطلس جیبی ایران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- سیدصنبر، س.، ۱۳۸۶، دایره المعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن، انتشارات سیمای دانش.
- لیس، م.، ۱۳۸۵، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، سالنامه آماری کشور ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران.

- متین، پ.، ۱۳۸۳، پوشاک ایرانیان، شماره ۴۳ از مجموعه از ایران چه می دانم؟، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- معین، م.، ۱۳۸۲، فرهنگ فارسی معین، ج ۲، تهران: نشر ندا.
- مصدر، م. ح.، ۱۳۷۶، ارجان و بهبهان در میان تاریخ، انتشارات توفیق بهبهان.
- باوری، ح.، ۱۳۸۰، نساجی سنتی ایران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- گفتگو و مصاحبه با استادکار بافت عبا، ۱۳۸۶.
- مصاحبه با دست اندکاران تولید عبا بهبهان، حاج حسین اقصام، حاج شبنم موئدی، حاج فرج باوی و حاج فرض ا... مرادی، خرداد ۱۳۸۷.
- جمع آوری اطلاعات میدانی و تصویر برداری از کارگاه های بافت عبا، تحقیق میدانی مرحله اول، تیرماه ۱۳۸۷، با همکاری سیده فاطمه عبدالمطلبی و نازنین جهانمیری.
- جمع آوری اطلاعات میدانی و تصویر برداری از کارگاه های بافت عبا در بهبهان، تحقیق میدانی مرحله دوم، آبان ماه ۱۳۸۷، با همکاری فرزانه پورکاسب.

- H.Algor , Encyclopedia Iranica , Vol . pp.50 -51

- [www.khouzestan.isna.ir/MainKhouzestan/NewsView.aspx?ID=News-56197](http://www.khouzestan.isna.ir/MainKhouzestan/NewsView.aspx?ID=News-56197)

- [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)